



استقبال امرای تیمور از مهد علی
خانزاده در شوال ۷۳۵ ق، مأخذ:
رجبی، ۱۳۸۲: ۲۱



تحلیل ساختار روایت در نگاره استقبال امرای تیمور از مهد اعلی خانزاده بر اساس الگوی کنشی گریماس*

سپیده بیات * * * بیتا مصباح * * *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

صفحه ۷۷ تا ۸۹

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

روایت شناسی علمی نسبتاً نو بنیاد است که به درک مناسبات، ساختارها و دستور زبان حاکم بر روایت می پردازد و ریشه آن در ساختارگرایی است. ساختارگرایان در روایت شناسی به دنبال بررسی نظم و کشف تناسبات درونی در روایت، روابط و پیوندهای موجود بر عناصر سازنده داستان و توضیح نظام حاکم بر گفتمان روایی هستند. روایت شناسی را پرپ آغاز کرد و پس از آن گریماس که از پایه گذاران معناشناسی - ساختارگر است، با مطالعه معنا و ساختارهای مرتبط با آن، الگوی کنشی خود را که بر پایه چگونگی استفاده از مفاهیم زبان شناسی که در تحلیل متون استفاده می شود، ارائه داد تا توجه را از نشانه به سوی معنا تغییر دهد. گریماس معتقد است از سطح بیرونی باید عبور کرد و به لایه های عمیق در متن وارد شد تا هم ساختارهای سطحی معنادار و هم ساختارهایی که در عمق متن پنهان شده اند را بتوان یافت. در این تحقیق نگاره های از نسخه ظفرنامه تیموری (۹۳۵ ه.ق) بر اساس الگوی کنشی گریماس تحلیل شد. هدف از این پژوهش مطالعه چگونگی همخوانی بصری و کنشی نگاره ها با الگوی گریماس است. سؤالات اصلی تحقیق عبارتند از: ۱. تحلیل ساختار روایت با توجه به عناصر کنشگر تصویری در نگاره مورد اشاره چگونه است؟ ۲. تبدیل توالی زمانی به توالی مکانی در تصویر با توجه به روایت به چه صورت است؟ ۳. آیا نگارگری را می توان همانند متن به شیوه ساختارگرایی بررسی کرد و با الگوی گریماس مطابقت داد؟ روش تحقیق، روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از الگوی گریماس و شیوه جمع آوری اطلاعات بر اساس مطالعه منابع مکتوب منابع مکتوب و اسنادی تحلیل انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد الگوی گریماس قابلیت انطباق با نگارگری را دارد و هر نگاره با ساختار روبنایی و زیربنایی در ساختار تحلیل می تواند به عنوان متن مستقل عمل کند، همچنین مطالعه ساختار زنجیره های دلالتی برای یافتن معنای نگاره و تبدیل توالی زمانی به توالی مکانی در تصویر و تأثیر آن بر شکل گیری نظام کلی در ساختار روایت بصری ملاحظه شد.

واژگان کلیدی

ظفرنامه تیموری، نگارگری، گریماس، الگوی کنشی، ساختار روایت.

* این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «مطالعه ساختار روایت در متن و نگاره های ظفرنامه تیموری بر مبنای الگوی کنشی گریماس بر اساس نسخه موجود در کاخ گلستان» و با راهنمایی نویسنده دوم در رشته پژوهش هنر است. * * کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
Email: sepidehbayat@semnan.ac.ir * * * استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)
Email: bitamesbah@semnan.ac.ir

مقدمه

نگارگری، هنر تصویرگری با ویژگی‌های تزئینی است و از دیرباز در ایران و سرزمین‌های حوزه فرهنگ ایرانی رواج داشته است. نگارگری نه تنها در کتاب‌های ادبی بلکه برای تصویرسازی کتب علمی، پزشکی، مذهبی و تاریخی نیز به کار می‌رفت. نگارگری ایرانی با ادبیات بسیار مرتبط است، نگارگر موضوعات کار خود را معمولاً از داستان‌های حماسی، اسطوره‌های عرفانی می‌گرفت و به زبان خط و رنگ نشان می‌داد. کیفیت بیانی و ویژگی‌های بصری نگاره‌ها سبب شده تا پژوهشگران از نظریه‌های معناشناختی و روایت‌شناسی از جمله ساختارگرایی در تلاش برای دستیابی به معنای نهفته بصری و ساختار معنایی در آثار نگارگری استفاده کنند. روایت‌شناسی یکی از شاخه‌های نقد ادبی، ویژه روایت‌های داستانی است و در اصل به بررسی دستور زبان حاکم بر روایت‌ها می‌پردازد. این شاخه از دانش می‌کوشد تا چارچوب و الگویی نظری- کاربردی برای تحلیل گونه‌های مختلف روایت فراهم سازد. روایت شامل متونی است که دارای شخصیت، حادثه و راوی باشد و به صورت نظم یا نثر، شفاهی یا مکتوب از دیرباز در زمان‌ها و مکان‌های متفاوتی عرضه شده‌اند. ساختارگرایی به دنبال آن است که علمی‌ترین مبنا را برای مطالعه در زمینه ادبیات فراهم کند و روشی است که با استفاده از شیوه‌های مختلف آن می‌توان متن را تحلیل کرد و نظام حاکم بر متن را شناخت. یکی از مهم‌ترین روش‌های روایت‌شناسی، شیوه‌ای است که پراپ در تحلیل قصه‌ها و داستان‌هایی از فرهنگ مردم و کودکان به کار گرفت. پراپ صد حکایت از فرهنگ مردم و قصه کودکان را مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت هرچند افراد و شخصیت‌های این قصه‌های گوناگون و حرفه و کنش‌های آنان متنوع است اما نقش‌واره‌هایشان محدود و ثابت است. پس از او، گریماس الگوی پراپ را ساده‌تر کرد و نشان داد که همه عناصر تشکیل‌دهنده قصه قابل تحلیل‌اند و نقش مؤثر دارند. بر این اساس کنشگر ممکن است اشیا، مفاهیم و اشخاص باشند. گریماس یکی از پایه‌گذاران معناشناسی ساختارگرا محسوب می‌شود و الگوی کنشی او، از پرکاربردترین الگوها در بررسی متون ادبی به شمار می‌رود. او با روشی که برای تحلیل متن ارائه کرده، شناخت و تجزیه روایت را آسان‌تر ساخته است. اصل و اساس تحلیل نشانه - معناشناسی گریماس چگونگی استفاده از مفهوم زبان‌شناسی برای تحلیل متن است و او تمرکز را از نشانه به سوی معنا تغییر می‌دهد. رویکرد نشانه - معناشناسی نوین پا را فراتر از ساختارگرایی می‌گذارد و وارد گفتار روایی شده و شرایط تولید و درک و دریافت معانی در گفتار را به وجود آورده است. گریماس موفق شد با در نظر گرفتن تقابل‌های دوگانه و توجه به پی‌رفت‌ها و محدود کردن کنشگرها، نظریه روایی خود را برای تمام متون روایی ارائه دهد. هدف این پژوهش مطالعه چگونگی

همخوانی بصری و کنشی نگاره‌ها با الگوی گریماس است و سؤالات اصلی تحقیق عبارت‌اند از: ۱. تحلیل ساختار روایت با توجه به عناصر کنشگر تصویری در نگاره چگونه است؟ ۲. تبدیل توالی زمانی به توالی مکانی در تصویر با توجه به روایت به چه صورت است؟ ۳. آیا نگارگری را می‌توان همانند متن به شیوه ساختارگرایی بررسی کرد و با الگوی گریماس مطابقت داد؟ ضرورت و اهمیت انجام تحقیق در این است که چون نگارگری از هنرهای سنتی و اصیل ایرانی است، اغلب از دیدگاه سنت‌گرایی و عرفان به این هنر پرداخته شده و تحلیل تصاویر بر این اساس انجام می‌شود، از این رو می‌توان گفت نگارگری در فرهنگ ایرانی، بیانی تصویری از شیوه تفکر است، پس می‌شود با استفاده از نظریه‌های جدید، این هنر را به شیوه‌ای نوین مورد بررسی قرار داد و تطبیق این نظریه‌ها را با نگارگری بررسی کرد. در این پژوهش نگارگری به عنوان یک متن روایی در نظر گرفته شده و به همین دلیل از روش گریماس برای تحلیل استفاده شده است.

روش تحقیق

شیوه جمع‌آوری اطلاعات با تکیه بر روش توصیفی و روش تحقیق بر مبنای تحلیل نگاره است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعه منابع مکتوب و اسنادی صورت پذیرفته و ابزار تحقیق شامل استفاده از کتب تاریخی، فیش‌برداری، مقالات، جدول، رایانه و اسکن تصاویر است. این تحقیق روی نگاره‌ای از ظفرنامه تیموری ۹۳۵ ه.ق موجود در کتابخانه کاخ گلستان انجام گرفته و روش تحلیل استفاده از الگوی کنشی گریماس است. الگوی گریماس از عمق نشانه‌شناسی ظهور کرده و اساساً مقصود این است که با این روش میزان تطابق متن و تصویر مشخص گردد. با توجه به اینکه روش گریماس یک نمونه توسعه‌یافته در حوزه نشانه‌شناسی و متن به منظور تحلیل متون است، برای تصویر هم اعمال شد تا میزان هماهنگی خوانش تصویر با متن مشخص گردد. از میان نسخ قدیمی و تاریخی، نسخه مورد اشاره که ساختاری دوگانه از روایت تاریخی- خیالی دارد و از مهم‌ترین نسخه‌های موجود از زمان تیموریان است، به دلایل زیر انتخاب شد:

۱. ساختار نگاره‌ها به روایتی حقیقی متکی است که قابل استناد و ردیابی در جزئیات است و نتایج تحلیل بر این مبنا می‌تواند ملموس و دقیق‌تر باشد همچنین رابطه متن و نگاره در این نسخه بسیار آشکار است و محتوای نگاره‌ها به محتوای روایتی که گریماس انتظار دارد بسیار نزدیک است. ویژگی روایتی متن و وابستگی نگاره به متن که تا حد زیادی با نسخه‌های دیگر متفاوت است، این کتاب را متمایز ساخته است.

۲. علی‌رغم اهمیت این نسخه خطی و نگاره‌های آن، پژوهش‌های چندانی در معناشناسی نگاره‌های آن به‌ویژه

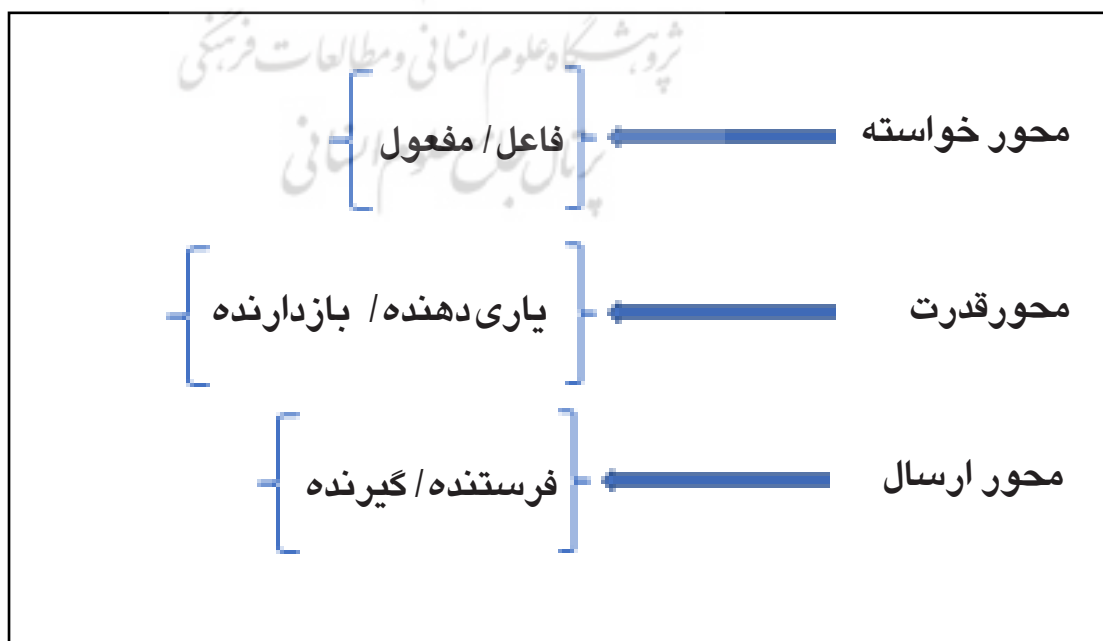


مورد تحلیل متن‌های ادبی با استفاده از الگوی گریماس و همچنین متدلوژی ساختارگرایی می‌توان به پژوهش‌های بیشتری اشاره کرد. در زمینه ساختارگرایی می‌توان به این مقالات اشاره کرد: حمیدرضا شعیری (۱۳۸۸)، در مقاله «نشانه‌شناسی ساختارگرا تا نشانه معناشناسی گفتمانی» منتشر شده در نشریه نقد ادبی شماره ۸، به بررسی و نقد دیدگاه‌های مهم نشانه‌شناسی پرداخته و سپس نشانه از نظر سوسور، پیرس و گریماس را شرح داده و درباره تطابق در سطح زبانی توضیحات مفصلی ارائه کرده است. همچنین چشم‌انداز نشانه - معنایی جدید را برای مطالعه گفتمانی توضیح داده است. علی عباسی (۱۳۸۸)، در مقاله «کنش‌های روایی بر اساس روش گریماس» منتشر شده در پژوهشنامه فرهنگستان هنر در شماره ۱۳، ساختار روایی روایت از نظر گریماس را معرفی کرده و ضمن تعریف روایت، ساختار روایی و پیرنگ را در کتاب آواره بی خورشید بررسی کرده و سپس تحلیل ساختاری تکنگاره‌ای از کلیله و دمنه را ارائه و با منطق پویایی کلام و مربع معنایی تشریح کرده است. در زمینه ادبیات می‌توان به این پژوهش هم اشاره کرد؛ کاظم دزفولیان، مریم اکبری، مریم جلالی (۱۳۹۸)، در مقاله «تحلیل الگوی کنشی در زنجیره‌های روایی گریماس در روایت مرگ رستم» منتشر شده در نشریه پژوهش ادبی در شماره ۸۰، به نظریه روایت شناسانه گریماس پرداخته و روایت مرگ رستم را به‌طور کامل به‌وسیله الگوی گریماس تحلیل کرده‌اند. وجه تمایز این پژوهش با سایر تحقیقات، استفاده از روش تحلیل الگوی کنشی گریماس در ساختار روایت نگاره مورد اشاره در نسخه ظفرنامه تیموری (۹۳۵)

با تکیه بر الگوی گریماس انجام نشده است و از این منظر این تحلیل دارای نوآوری است. تحقیقات صورت گرفته با استفاده از الگوی کنشی گریماس در زمینه ادبیات و متن روایت بوده و در حوزه بصری و نگارگری کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. شیوه تجزیه و تحلیل کیفی است.

پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع تحقیق می‌توان دو مسیر را برای جستجوی پژوهش‌های قبلی محققان انجام داد، گروه اول شامل پژوهش‌هایی می‌شود که در مورد نسخه ظفرنامه (۹۳۵ ه.ق) موجود در کتابخانه کاخ گلستان و در ارتباط با تحلیل و توصیف نگاره‌های این نسخه انجام شده است. پژوهش‌هایی که در مورد ظفرنامه انجام شده به نقوش هندسی، پوشاک در نگاره‌ها و کتاب‌آرایی در این نسخه پرداخته‌اند، گروه دوم پژوهش‌هایی هستند که یک اثر هنری را در زمینه ساختارگرایی و به‌ویژه الگوی کنشی گریماس مورد توجه قرار داده‌اند. تنها یک مقاله با این عنوان به تحلیل ساختار روایت در نگاره مرگ ضحاک به‌وسیله الگوی کنشی گریماس پرداخته است. اشرف السادات موسوی لر و گیتا مصباح (۱۳۹۰)، در مقاله «تحلیل ساختار روایت در نگاره مرگ ضحاک بر اساس الگوی کنشی گریماس» چاپ شده در نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی در شماره ۴۵، به تعریف و مفاهیم پایه در نشانه‌شناسی پرداخته، سپس الگوی کنشی گریماس را شرح داده و نگاره ضحاک را بر اساس این الگو تحلیل کرده‌اند؛ اما در



ه.ق) است که در سطح زیربنایی شامل زوج‌های تقابلی و در سطح روبنایی متن هم شامل هم‌نشینی در سه قالب (قراردادی، اجرایی، انفصالی) است و همچنین تبدیل توالی زمانی به مکانی و درنهایت ساختار روایتی متن و تصویر به عنوان دو بخش مستقل اما وابسته به هم تحلیل و بررسی می‌شود.

الگوی کنشی^۱ گرماس

آژیرداس ژولین گرماس^۲ متولد ۱۹۱۷ لیتوانی و مهم‌ترین نظریه‌پرداز معناشناسی روایت است. گرماس روایت شناسی را بر پایه ریخت‌شناسی حکایت پراپ استوار کرد. گرماس از گونه خاصی که موردنظر پراپ بود فراتر رفت و کوشید تا دستور زبان داستان را بیابد و به جای هفت دسته شخصیت‌های پراپ، شش کنشگر را پیشنهاد کرد (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۶۱-۱۶۲). گرماس معتقد است هر داستان دارای دو سطح بازنمایی در روایت و دیگری در سطح ژرف ساخت است که سطح زیربنایی و عمیق دربرگیرنده شاخصه‌های ساختاری، معنایی و الگوی کنش است و بر این اساس ساختار روایت تحلیل می‌شود. (Grimas, 1977: 23-40) شخصیت‌های روایت یا کنشگران بر اساس مناسبات و تقابلهایی که با هم دارند به شش دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- «فرستنده یا تحریک‌کننده»، او کنشگر را به دنبال خواسته یا هدفی می‌فرستد و دستور اجرایی فرمان می‌دهد (می‌تواند یک احساس یا ویژگی ذاتی باشد).
- ۲- «گیرنده»، کسی است که از کنش سود می‌برد یا سودی به او نمی‌رسد و تمام رخداد برای او انجام شده است.
- ۳- «فاعل»، کنشگری است که عمل می‌کند و به‌سوی شیء ارزشی گرایش دارد.
- ۴- «مفعول»، شیء ارزشی هدف و موضوع کنش است.
- ۵- «نیروی بازدارنده»، کنشگری است که جلوی رسیدن کنشگر را به شیء ارزشی می‌گیرد (الزاماً شخصیت نیست و می‌تواند احساس، تفکر و یا توانایی باشد).
- ۶- «نیروی یاری‌دهنده»، کنشگری است که کنشگر را یاری می‌دهد تا به شیء ارزشی برسد (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

در این ساختار، فاعل، عنصر محوری کنش داستان است یعنی کسی یا چیزی که کنشی را انجام می‌دهد. هدف چیزی است که فاعل با کنش‌هایی در پی دستیابی به آن است. هر آنچه بر سر راه رسیدن به هدف قرار گیرد، ضدقهرمان یا رقیب نام می‌گیرد. فرستنده فاعل یا کنشگر را به دنبال موضوع شناسایی یا هدف می‌فرستد، در این میان گیرنده یا دریافت‌کننده برخوردار می‌شوند و نیروهای یاریگر و مخالف درصدد یاری و ممانعت برمی‌آیند (محمدی، عباسی، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

گرماس سه دسته از تقابل‌های دوگانه را پیشنهاد کرد

که بنا بر قاعده معناشناسی شکل می‌گیرند (Grimas, 200-208: 1966). شش کنشگر که به سه دسته زوج تقابلی تقسیم می‌شوند، هرکدام یک محور کنشی توضیحی را تشکیل می‌دهند که محور خواسته: (فاعل/مفعول)، محور قدرت: (یاری‌دهنده/ بازدارنده)، محور ارسال: (فرستنده/ گیرنده) هستند (موسوی لری، مصباح، ۱۳۹۰: ۲۵) (نمودار ۱). زوج فاعل و مفعول بنیادی‌ترین جفت است و به ساختار اسطوره‌ای جستجو می‌انجامد. این زوج کنشگر به همراه زوج کنشگر (فرستنده/ گیرنده) به نظر گرماس ساختار پایه دلالت در همه سخن‌ها هستند (اسکولز، ۱۳۸۳: ۱۵۰). گرماس کوشید تا بر اساس این الگوهای کنش، اساس و قاعده ظهور رخدادها در داستان را بیابد (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۶۳). اساس نشانه‌شناسی گرماس استفاده از مفاهیم زبان‌شناسی در تحلیل متن است و می‌کوشد تمرکز را از نشانه به‌سوی معنا برگرداند. (Hawkes, 2004: 72)

پی‌رفت^۱

شیوه معناشناسی داستان گرماس با اصول متعارف روش‌شناسی در معناشناسی همخوان است. هر داستان از تعدادی پی‌رفت تشکیل شده و هر پی‌رفت هم از تعدادی الگو که گرماس آن‌ها را الگوهای کنشی نامیده، تشکیل شده است. این الگوها قابل قیاس با شخصیت‌های پراپ هستند. برای شناخت معنای یک متن باید معنای پی‌رفت و قاعده‌های دستور داستان را دانست. همان‌طور که در معناشناسی واحدهایی معنایی برای فهم قاعده معنایی جمله مطرح می‌شوند، در معناشناسی روایت نیز جمله‌های اسمی برای فهم قاعده معنایی متن به کار می‌روند (همان، ۱۶۲). گرماس از مفهوم پی‌رفت یاری گرفت و آن‌ها را همچون سه قاعده نحوی نام برد، این سه پی‌رفت عبارت‌اند از:

۱. زنجیره اجرایی که وابسته به تقسیم‌بندی وظایف، نقش‌های ویژه و کنش‌ها است و به انجام کاری دلالت می‌کند (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۶۲). این زنجیره شامل آزمون‌ها و مبارزه‌های قهرمان برای رسیدن به هدف است. بخش اصلی روایت در این زنجیره است (کالر، ۱۳۸۲: ۲۹۹).
۲. زنجیره پیمانی یا قراردادی یا میثاقی، ایجاد شکستن توافق یا برقراری و زیر پا گذاشتن ممنوعیت‌ها و راهنمای وضعیت داستان به‌سوی هدف را پیگیری می‌کند و داستان را سامان می‌دهد. کنشگر فاعل برای انجام هدف تلاش می‌کند. به نظر می‌رسد گرماس در اغلب داستان‌ها از حالت منفی به مثبت حرکت می‌کند یا از وضعیتی مثبت به منفی که منجر به شکستن عهد و پیمان می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۶۳).
۳. زنجیره انفصالی یا متمایزکننده یا انتقالی که حرکت‌ها و تغییرات را شامل می‌شود و بر تغییر وضعیت یا حالت دلالت دارد (همان، ۱۶۲). این زنجیره شامل سیروسفر و رفتن و بازگشتن‌هاست و تغییر وضعیت قهرمان داستان را در مقابل انجام دادن یا ندادن پیمان‌هایشان می‌دهد



۱. مهد اعلی خانزاده: سوین بیگ مشهور به خانزاده بیگم دختر حسین صوفی (امیر خوارزم) و برادرزاده یوسف صوفی (جانشین امیر خوارزم) بود (یزدی، ۱۳۳۶: ۱۸۰). تیمور در سومین لشکرکشی در سال (۷۷۳ هـ.ق) به خوارزم خانزاده را برای فرزندارشدش امیرزاده جهانگیر خواستگاری کرد (ابن عربشاه، ۱۲۸۵: ۲۷-۲۶). در شوال سال (۷۷۵ هـ.ق) خانزاده به عقد جهانگیر درآمد (همان، ۱۸۲). مهد اعلی فرزندی به نام محمد سلطان داشت که بسیار مورد علاقه تیمور بود و به عنوان ولیعهد انتخاب شد ولی قبل از تیمور وفات یافت (ابن عربشاه، پیشین: ۲۷).
۲. یوسف صوفی: سلسله صوفیان ترکی- مغولی بودند که بر خوارزم حکم می‌راندند. بعد از مرگ حسین صوفی، یوسف صوفی امیر خوارزم شد و با تیمور قرارداد صلح بست (یزدی، ۱۳۳۶: ۲۷-۲۶).
۳. امیرزاده جهانگیر: (۷۵۷-۷۷۷ هـ.ق) فرزند ارشد تیمور و جای خاتون آغا بود. جهانگیر دو سال بعد از ازدواج با خانزاده در سال (۷۷۷ هـ.ق) در جوانی درگذشت (همان: ۲۰۱).

۴. تیمور گورکانی: تیمور دوم مؤسس سلسله تیموریان که در ۲۵ شعبان سال (۷۲۶ هـ.ق) در شهر «کش» که در حال حاضر به آن «شهر سبز» گویند، متولد شد. تیمور دوران کودکی و جوانی را در شهر کش گذراند (آژند، ۱۳۷۹: ۵۳). تیمور بعد از اینکه برای حکومت کش منصوب شد با دختر خان کاشغر ازدواج کرد و به گورکان (داماد) معروف شد. وجه تسمیه تیمور لنگ به این دلیل است که در جنگ‌های سیستان زخم‌هایی برداشت که پای راستش تا آخر عمر می‌لنگید. مهم‌ترین ویژگی تیمور خشونت او در جنگ‌ها بود. از او به عنوان سفاک‌ترین فاتحان تاریخ یاد کرده‌اند؛ اما باید گفت که نسبت به علما، فضلا و هنرمندان این چنین نبود و از آن‌ها حمایت می‌کرد (فراهانی منفرد، ۱۳۸۲: ۵۲-۵۱). بعضی اعتقاد دارند که دین برای تیمور دست‌آویزی بوده که به مقاصد سیاسی‌اش برسد و برای تظاهر به دین‌داری از دانشمندان حمایت می‌کرد (میرجعفری، ۱۳۷۹: ۶۰-۶۳).

بقیه در صفحه بعد

برای اینکه ظاهر سمرقند همچون باطنش زیبا شود و صورت مطابق معنی گردد. کوی و برزن را تزیین کردند، دل مردم از وجود سلطان شاد و از اندیشه جنگ خیال‌شان آسوده بود. در آن ایام فرخنده مغازه‌ها را بستند و غم چنان گمشده بود که باده غم‌گزار بیکار ماند. شهر غرق در نور و سرور گشته و مملکت عشرت سرا شده بود. سرای سلطان از نوای فرستاده به شادی پر شد و شاهزاده خانم با طالعی مبارک وارد سمرقند شد. از بس که دیبای زرنگار و جواهرات و دینارها را به رسم پای‌انداز نثار شاهزاده خانم کردند و برافشاندند، زمین و آسمان پوشیده و پنهان شده بود.

توصیف نگاره

نگاره موردنظر از نگاره‌های موجود در ظفرنامه تیموری (۹۳۵ هـ.ق) است که در مجموعه کاخ گلستان نگهداری می‌شود و توسط کمال‌الدین بهزاد و شاگردانش تصویرگری شده است. این نگاره فضایی باز و کوهستانی نزدیک سمرقند را نشان می‌دهد که امرای تیمور برای استقبال از خانزاده آمده‌اند. ترکیب‌بندی به‌کاررفته در بازنمایی، فضا حالتی اسپیرال گونه دارد (تصویر ۲، خطوط قرمز). مهد اعلی همراه با کجاوه در مرکز اسپیرال و یکی از نقاط طلایی صفحه قرار دارد و همه عناصر و افراد در فضایی مدور اطراف کجاوه او مشاهده می‌شوند (تصویر ۳). در ترکیب‌بندی افقی نیز، عناصر و افراد در سه ردیف متوالی و همچنین فضا بندی دوقسمتی، پایین کوه و بالای کوه،



تصویر ۱. استقبال امرای تیمور از مهد اعلی خانزاده در شوال ۷۳۵ هـ.ق. مأخذ: رجبی، ۱۳۸۲: ۲۱

به صورتی که هر قراردادی که در زنجیره میثاقی بین کنشگران به وجود می‌آید در این زنجیره نتیجه‌اش معلوم می‌شود و کنشگران پاداش می‌گیرند یا مجازات می‌شوند (اسکولز، ۱۳۸۳: ۱۵۷-۱۵۴). در هر پی‌رفت روایت، حداقل دو مشارکت فردی وجود دارد و کنش‌های پایه عبارت‌اند از فصل و وصل، مبارزه و آشتی. روایت در اصل عبارت است از انتقال یک ارزش یا شیء از یک مشارکت به مشارکتی دیگر (همان، ۱۴۷).

روایت نگاره

نگاره مورد تحلیل در این پژوهش صحنه استقبال امرای تیمور از مهد اعلی خانزاده، برادرزاده یوسف صوفی (امیر خوارزم) است که برای همسری امیرزاده جهانگیر، فرزند تیمور، از خوارزم توسط فرستادگان تیمور به سمرقند آورده می‌شود. در شوال سال (۷۷۵ هـ.ق) هنگام بهار، سلطان هفت‌اقلیم (تیمور) دستور داد سرزمین تحت حکومتش را آذین ببندند و فرماندهان قوای خود را برای آوردن عروس انتخاب کرد. امیر یادگار برلاس و امیر داور ازون اولجایتو را با هدایای پادشاهانه روانه خوارزم کرد تا مهد اعلی خانزاده را با شکوه و جلال به سمرقند بیاورند و چون امرای انتخابی به خوارزم رسیدند، یوسف صوفی، حاکم خوارزم، مقدم ایشان را با مراسم و اجلال و تعظیم برگزار کرد و از حرمت و جانب‌داری در هیچ امری کم نگذاشت و آن‌چنان‌که شایسته آنان بود مراسم استقبال را به شایستگی تمام برگزار کرد. امرای تیمور هدایا و تبرکاتی به همراه داشتند. یوسف صوفی جشنی خسروانه را برای آن‌ها تدارک دید و مهد اعلی را مشایعت و به‌سوی سرزمین عالم پناه روانه کرد. امور را عالی انجام دادند و با تجملی فراخور، از تمام وسایل و زیورآلات و زر و گوهر و یاقوت و لعل، انواع پوشیدنی‌ها و انواع گستردنی‌ها به‌وسیله صد کاروان همراه با خانزاده به سمرقند فرستاد. امرای مذکور پیکی را با عجله به سمرقند فرستادند تا خبر آمدن را به عرض سرای سلطان برسانند؛ و چون تیمور اطلاع یافت با فضایل شاهانه‌ای که داشت، با عزت و احترام فرمان داد که از خانزاده استقبال کنند. قرتقا خاتون عروس پسر قیدو خان را با دیگر خوانین و جمعی از امرا، برای استقبال روانه کرد. زمین را با پارچه‌های دیبا پوشاندند، سادات، قضات، علما، شیوخ، اکابر، اشراف و اعیان مملکت برای استقبال رفتند.

زمین را بهشت کردند، هوا عطرآگین شد و برای رعایت تکریم و احترام بعد از تقدیم وظایف و به‌جا آوردن آداب و رسوم، نثار و پای‌انداز، منزل به‌منزل را محیا کردند و تا حجله عروس را آذین بستند که نظیر آن در آفاق کم اتفاق افتاده بود. زمین مملو از گوهر گشت و رنگارنگ شد. سمرقند که سرشار از عدل و مهر تیمور بود با نور و حضور و زیور و بهجت و سرور آراسته شد. دارالسلطنه سمرقند را با انواع تکلفات و تجملات لطیف و زیبا آراستند

تحلیل ساختار روایت در نگاره
استقبال امرای تیمور از مهد اعلی
خانزاده بر اساس الگوی کنشی
گریماس / ۷۷-۸۹ / سپیده بیات،
بیاتامصباح



تصویر ۳. کجاوه مهد اعلی خانزاده، مأخذ: همان



تصویر ۲. خطوط اسپیرالی و افقی در نگاره، مأخذ: نگارندگان

و سربازان با لباس‌های معمولی و تبرزین و ابزار کاملاً عیان هستند (تصویر ۴، خطوط سیاه و آبی). خانم‌ها و قرتقاخاتون هم برای استقبال حضور دارند (تصویر ۴، خط قرمز). خانم‌ها همگی برقع بر صورت دارند. پراکندگی عناصر متنوع است و انفضالی دیده نمی‌شود. تجمع سربازان در سمت راست با تجمع بانوان در سمت چپ حالتی قرینه را ایجاد کرده و باعث ایجاد تعادل در نگاره می‌شود (تصویر ۴، خطوط نارنجی).

تحلیل نگاره بر اساس کنشگرهای الگوی کنشی گریماس

در تحلیل الگوی گریماسی، نخست باید تحلیل عناصر روایی نگاره و همچنین، رخدادهای اصلی و فرعی در روایت آن مشخص شوند. پس‌از آن تحلیل در سه مرحله شناسایی کنشگرها، تحلیل هستی‌شناختی کنشگرها و درنهایت شناسایی توالی زمانی و مکانی بین کنشگرها صورت می‌گیرد.

عناصر روایی در نگاره

در عنصرهای روایی نگاره، عنصرهای موجود به چهار دسته تقسیم می‌شوند: انسانی؛ مهد اعلی خانزاده، همراهان

گنجانده‌شده‌اند (تصویر ۲، خطوط زرد). در این ترکیب نیز کجاوه مهد اعلی در بخش میانی و مرکز تصویر قرار گرفته است. علاوه بر این در ترکیب‌بندی رنگی نگاره، رنگ غالب آبی پروس^۱ برای کجاوه مهد اعلی در نگاه اول بیننده را مجذوب می‌کند. استفاده از کنتراست رنگی (گرم-سرد) در ترکیب رنگ آبی پروس در ترکیب با طلایی حالتی از شکوه و عظمت را القا می‌کند. هوای صاف و آفتابی و رنگ‌های روشن نشان‌دهنده شادی در تصویر است. فرش دیبای قرمزی که روی زمین گسترده شده در تضاد با رنگ سیاه اسب خانزاده نشان از بزرگی اوست. نگارگری دنیایی خیال‌انگیز و بدون سایه و غرق درون را ترسیم می‌کند. در این نگاره نور و ظرافت در همه‌جا حضور دارد. رنگ‌های لاجورد و طلایی مهم هستند و هر رنگ دیگری که به این رنگ‌ها افزوده شود همواره در مقام فرعی است. طلا سرزندگی است و عمق ژرفای وجود را تعدیل می‌کند. آسمان در این نگاره طلایی است. چوب‌دست‌ها و تبرزین‌ها همه به سمت بالا هستند و از حرکت چشم به سمت پایین خودداری می‌کند و باعث می‌شود چشم در صفحه بچرخد (تصویر ۴، فلش‌های سفید). امرای تیمور با لباس و کلاه‌های فاخر و سوار بر اسب (اسب‌ها ابزار و یراق خاص دارند) مشخص هستند

ادامه از صفحه قبل

وی طب و نجوم را دنبال می‌کرد و به آن‌ها آگاه بود. جشن و موسیقی را دوست داشت و شطرنج را با مهارت انجام می‌داد و همچنین حکمت و منطق را می‌دانست (فراهانی منفرد، ۱۳۸۲: ۶۲-۵۷).

1. Prussian Blue

و در زیر دسته‌های کنشگری که عبارت‌اند از (کنشگر/ غیر کنشگر)، (قطعی/ غیرمحمتمل)، (فعال/ منفعل)، (آگاهانه/ غیر آگاهانه) قرار می‌گیرند. کنشگر و غیر کنشگر بر اساس اینکه درکنش شرکت دارند یا برعکس، مشخص می‌شوند، می‌توانند به قطعیت برسند و واقعی عمل کنند و درکنش حضور فعال یا منفعل داشته باشند. کنشگرها اگر در دسته موجودات بشری باشند آگاهانه و اگر در دسته حیوانات قرار بگیرند غیر آگاهانه عمل می‌کنند. در صورتی که جزء موجودات بشری نباشند آگاهانه و غیر آگاهانه در موردشان صدق نمی‌کند. در مرحله سوم توالی زمانی و مکانی که بین کنشگرهای شش‌گانه حاکم بر نگاره بررسی و چگونگی قابلیت تبدیل توالی زمانی به مکانی شرح داده می‌شود.

در الگوی گریماس کنشگرهای شش‌گانه در سه محور ۱. خواسته ۲. ارسال و ۳. قدرت تعریف شده‌اند. در روایت و نگاره مورد بررسی در پژوهش حاضر این کنشگرها و محورها عبارت‌اند از:

۱. محور خواسته: فاعل/ مفعول: فاعل کنشگری است که به‌سوی مفعول مورد جست‌وجو هدایت می‌شود، در اینجا فاعل، امیران انتخابی تیمور هستند که برای استقبال در سمرقند از مهد اعلی خانزاده هدایت شده‌اند و کنش از سوی آن‌ها صورت می‌پذیرد. در نگاره امرای تیمور را می‌توان با اسب و لباس‌های متفاوت‌شان و ملزومات و ابزار و یراق اسب‌های‌شان تشخیص داد. مفعول در این نگاره مهد اعلی است که سوار بر کجاوه، کاملاً عیان است. به‌زاد با رنگ متفاوت و شاخصی که برای کجاوه انتخاب کرده و همچنین مکانی که در آن واقع است، نگاه را جلب و با استفاده از تمهیدات به‌کاررفته در ترکیب‌بندی بصری (تمرکز در نقطه طلایی) و ترکیب‌رنگی (استفاده از کنتراست تضاد/ کنتراست گرم- سرد) بر آن تأکید کرده است. نوع اتصال که بین فاعل و مفعول از نوع وصال است؛ زیرا که تیمور و امرایی او را به هدف خود که استقبال است نائل می‌کند و کل نگاره در جهت تأیید این بخش از روایت شکل گرفته است. نشانه‌های آن را می‌توان این‌گونه تشریح کرد: ۱. گستردن پارچه‌های دیبا و آذین بستن ۲. آمدن همراهان و زنان و بزرگان برای استقبال ۳. آسمان طلایی در نگاره ۴. گل‌های سرخ و بوته‌ها و جوی روان ۵. اسب‌های تزیین شده ۶. کتیبه‌هایی که بالای نگاره قرار دارند ۷. فصل بهار با توجه به شرح آن در متن اصلی، نشان‌دهنده این هست که وصال قطعی و به شکل کامل رخ داده است.

۲. محور ارسال: فرستنده/ گیرنده: فرستنده اصلی تیمور است که دستور رسیدن فاعل (امرا و بزرگان) را به مفعول (مهد اعلی) داده است. فرستنده دوم، خواست مردم برای استقبال است که با شور و شغف به استقبال از همسر آینده امیرزاده جهانگیر رفتند و در نگاره شادی مردم به تصویر درآمده است. گیرنده کسی است که از این کنش (استقبال) سود می‌برد یا برعکس سودی به او نخواهد رسید. گیرنده



تصویر ۴: پراکندگی عناصر، حالت ابزار و تعادل در نگاره. مأخذ: همان

خانزاده، مردم، امرای تیمور، قرتقا خاتون و همراهان. سربازان حیوانی: اسب، شتر، گیاهی: درخت، خار، بوته، گل. جمادات: سنگ، کوه، نهر آب، متن نوشتاری، چوب‌دست و تبرزین، ابزار و یراق اسب‌ها، کجاوه و ملحقات، آسمان، پارچه‌های دیبا.

رخدادهای اصلی و فرعی نگاره

۱. وارد شدن مهد اعلی از خوارزم به سمرقند با همراهان.
۲. شادی مردم از ورود مهد اعلی به سمرقند و سرزمین‌شان که سرشار از شادی و نشاط است و همراهی خانزاده.
۳. استقبال از مهد اعلی که رخداد اصلی در نگاره است.

کنشگرها در الگوی گریماس

تحلیل بر اساس الگوی کنشی گریماس در سه مرحله صورت می‌گیرد: در مرحله اول شش کنشگر شامل فاعل، مفعول، فرستنده، گیرنده، یاری‌رسان و بازدارنده مشخص می‌شوند، سپس محورهای مجزا، خواسته (فاعل/ مفعول)، ارسال (فرستنده/ گیرنده) و قدرت (یاری‌دهنده/ بازدارنده) تعریف می‌شوند.

در مرحله دوم تحلیل هستی‌شناسی بر کنشگرهایی که در مرحله اول مشخص شدند انجام می‌گیرد و نوع آن‌ها در سه سطح شامل موجودات بشری، سلب و مفاهیم تعیین شده

خاتون و همراهان، پیک و سربازان و همچنین اسب مهد اعلی و اسب امرا و بزرگان و شترهایی که در پشت کوه تصویر شده، اشاره کرد. اسب‌ها و شتر چون جاندار هستند و در دستهٔ موجودات ذی‌شعور قرار می‌گیرند و دارای کنش‌های طبیعی و غریزی‌اند در این گروه جای می‌گیرند. مفاهیم موجود را می‌توان شادی و نشاط مردم و خواست مردم دانست. در دستهٔ موجودات سلب هم بلندی کوه، سختی راه، خارهای موجود و شاخه‌های خشک درخت، گل‌ها و گیاهان و جوی آب، رنگ‌های روشن و شاد، کجاوه و آسمان قابل‌ذکر هستند (جدول ۲).

تحلیل کنشگرهای نگاره بر اساس تقسیم‌بندی زیر دسته‌های کنشگری

این توضیح ضروری است، برای اینکه بتوان کنشگر و غیر کنشگر را از هم تشخیص داد باید به تمایز قطعی و محتمل، فعال و منفعل توجه و گفت عناصر موجود در متن می‌توانند در کنش شرکت داشته باشند یا نداشته باشند و بر این اساس کنشگر و غیر کنشگر محسوب می‌شوند و می‌توانند قطعی یا محتمل باشند؛ یعنی می‌توانند به قطعیت برسند و واقعی شوند و در کنش فعال یا منفعل باشند؛ یعنی الزامی ندارد که فعال/منفعل در دستهٔ موجودات بشری باشند (موسوی لر، مصباح، ۱۳۹۰: ۲۸). زیر دسته‌های کنشگری به‌صورت زیر دسته‌بندی می‌شوند:

الف: (کنشگر/غیر کنشگر) ب: (قطعی/محتمل) ج: (فعال/منفعل) د: (آگاهانه/غیر آگاهانه).

در نگاره، فاعل «امرای ارسالی برای استقبال از سمرقند» هستند که کنشگر فعال بوده و در نگاره نیز بازنمایی شده‌اند. حضور آن‌ها در کنش قطعی است و چون به دستهٔ موجودات بشری تعلق دارند، آگاهانه عمل می‌کنند. فرستندهٔ اصلی «تیمور» است. کنشگری که آگاهانه عمل می‌کند و

اصلی امیرزاده جهانگیر است و گیرندهٔ دوم، مردم هستند که سودی به آن‌ها نمی‌رسد. گیرندهٔ سوم، کاروان همراه مهد اعلی است.

۳. محور قدرت: یاری‌دهنده/بازدارنده: یاری‌رسان کسی است که به شکل تقابلی آن عمل می‌کند. یاریگران در این نگاره عبارت‌اند از: ۱. امرای تیمور که برای همراهی مهد اعلی تا سمرقند به خوارزم رفته بودند. ۲. مردم سمرقند. ۳. پیکی که از خوارزم به سمرقند فرستاده شد تا خبر آمدن را زودتر به سرای سلطان برساند. ۴. امرای تیمور که از سمرقند برای استقبال مهد اعلی فرستاده شدند. ۵. شادی و شور مردم سمرقند. ۶. قرتقا خاتون و همراهان. ۷. کاروان همراه مهد اعلی. ۸. سربازان. ۹. کجاوهٔ مهد اعلی. ۱۰. اسب‌های موجود در نگاره. ۱۱. شترها. ۱۲. آسمان. ۱۳. پارچه‌های دیبا و رنگارنگ. ۱۴. گل‌ها و گیاهان. ۱۵. جوی آب روان. ۱۶- رنگ‌های روشن و شاد. بازدارنده‌ها در این نگاره عبارت‌اند از: ۱. بلندی کوه. ۲. سختی راه. ۳. خارهای موجود و شاخه‌های خشک درخت (جدول ۱).

تحلیل هستی‌شناختی کنشگرها

کنشگرهایی که در سه زوج تقابلی قرار گرفته‌اند، از نظر هستی‌شناسی به سه دسته تقسیم می‌شوند که شامل موجودات بشری، سلب و مفاهیم هستند. اگر کنشگر در جایگاه فاعل، فرستنده و گیرنده باشد به‌سوی موجودات بشری متمایل است اما اگر کنشگر مفهوم باشد باید شخصیت‌پردازی شود (Hebert, 2005: 65). در دستهٔ موجودات بشری، فاعل (امرای ارسالی تیمور در سمرقند برای استقبال از خانزاده)، مفعول (مهد اعلی خانزاده) است. گیرنده اصلی (امیرزاده جهانگیر، مردم و کاروان همراه مهد اعلی) هستند، فرستنده هم تیمور است. در قسمت یاری‌رسان هم باید به امرای ارسالی تیمور برای استقبال در سمرقند، مردم سمرقند، کاروان همراه مهد اعلی، قرتقا

جدول ۱. مربع الگوی کنشی گریماس، مأخذ: نگارندگان

فرستنده: ۱. تیمور. ۲. خواست مردم	گیرنده: ۱. امیرزاده جهانگیر. ۲. مردم سمرقند. ۳. کاروان همراه مهد اعلی	
	فاعل: امرای ارسالی تیمور برای استقبال در سمرقند مفعول: مهد اعلی	
یاری‌دهنده: ۱. امرای ارسالی تیمور به خوارزم. ۲. مردم سمرقند. ۳. پیک. ۴. امرای ارسالی تیمور در سمرقند. ۵. شادی مردم سمرقند. ۶. قرتقا خاتون و همراهان. ۷. همراهان کاروان مهد اعلی. ۸. سربازان. ۹. کجاوه مهد اعلی. ۱۰. اسب‌های موجود در نگاره. ۱۱. شترها. ۱۲. آسمان. ۱۳. پارچه‌های رنگارنگ. ۱۴. گل‌ها و گیاهان. ۱۵. جوی آب روان. ۱۶. رنگ‌های شاد و روشن		بازدارنده: ۱. بلندی کوه. ۲. سختی راه. ۳. خارهای موجود و شاخه‌های خشک



جدول ۲. عناصر در زیر دسته‌های کنشگری و دسته‌بندی کنشگرها از نظر هستی‌شناسی، مأخذ: همان.

شماره	عنصر	نوع کنشگر	هستی‌شناسی کنشگرها									زیر دسته کنشگری				
			بشری	سلب	مفهوم	کنشگر	غیر کنشگر	قطعی	محتمل	فعال	منفعل	آگاهانه	غیر آگاهانه			
۱	امرای ارسالی تیمور برای استقبال در سمرقند	فاعل	✓			✓		✓		✓		✓				
۲	مهد اعلی	مفعول	✓			✓		✓		✓		✓				
۳	تیمور	فرستنده	✓			✓		✓		✓		✓				
۴	خواست مردم				✓	✓		✓		✓						
۵	امیرزاده جهانگیر	گیرنده	✓			✓		✓			✓		✓			
۶	مردم سمرقند					✓		✓		✓			✓			
۷	کاروان همراه مهد اعلی		✓			✓		✓		✓			✓			
۸	امرای ارسالی تیمور به خوارزم	یاری دهنده	✓			✓		✓		✓		✓				
۹	مردم سمرقند		✓			✓		✓		✓			✓			
۱۰	امرای ارسالی تیمور برای استقبال در سمرقند		✓			✓		✓		✓			✓			
۱۱	فریقا خاتون و همراهان		✓			✓		✓		✓			✓			
۱۲	کاروان همراه مهد اعلی		✓			✓		✓		✓			✓			
۱۳	سربازان، پیک		✓			✓		✓		✓			✓			
۱۴	شادی مردم سمرقند				✓	✓		✓								
۱۵	شترها		✓			✓		✓		✓			✓			
۱۶	اسب‌ها		✓			✓		✓		✓			✓			
۱۷	پارچه‌های دلبا و رنگارنگ			✓		✓		✓		✓						
۱۸	کجاوه					✓		✓		✓						
۱۹	رنگ‌های شاد و روشن			✓		✓		✓		✓						
۲۰	آسمان						✓		✓		✓					
۲۱	گل‌ها و گیاهان						✓		✓		✓					
۲۲	جوی آب						✓		✓		✓					

ادامه جدول ۲.

۲۳	سختی راه	بازدارنده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۲۴	خارهای موجود و شاخه‌های خشک		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۲۵	بلندی کوه		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓

دارد که به توالی مکانی تغییر کند. در نگارهٔ موردنظر از لحظهٔ ورود کاروان مهد اعلی به سمرقند تا مراسم استقبال توسط امرا و بزرگان تسلسل زمانی وجود دارد. در متن ظفرنامه نیز این تسلسل زمانی وجود دارد. در این نگاره پیوستگی زمانی موردبررسی قرار می‌گیرد. در سمت چپ نگاره، ورود کاروان از خوارزم تصویر شده است. این ورود با نشان دادن کجاوه مهد اعلی و همراهان و حالت حرکت در اسب‌ها (حالت پاها)، نشان داده شده است. تصویر زنی سوار بر اسب در مرکز، یکی از امرا و همچنین تصویر یکی از بزرگان در بالای تصویر (پشت کوه و در کنار ردیف مشایعت‌کنندگان)، همگی نگاه‌شان به عقب است و جهت ورود کاروان را صریح و واضح نشان می‌دهد. در سمت مقابل تصویر، محل قرارگیری و همچنین نگاه افراد کاروان استقبال‌کننده از سمرقند، به سمت ورود کاروان بوده، جهت ورود و درک مفهوم «ورود» را تقویت می‌کند. همهٔ چوب‌دست‌ها و تبرزین‌ها رو به بالا هستند و از افتادن نگاه به پایین جلوگیری می‌کنند، نگاه دائم در تصویر می‌چرخد تا به بالای صخره‌ها جایی که قرتقا خاتون و همراهان را نشان می‌دهد که برای استقبال آمده‌اند و بالاتر از بقیه تصویر شده‌اند. هم‌زمان با رسیدن کاروان خوارزم و ورود به سمرقند، استقبال‌کنندگان و شادی مردم مشاهده می‌شوند که انطباق دو زمان در روایت را به تصویر کشیده است (در کتیبه بالا و پایین لحظهٔ ورود و شادی مردم و مراسم استقبال و حال و هوای سمرقند ذکر شده است). وجود گل‌ها و گیاهان نوشکفته و نهر روان، بهار را نشان می‌دهد. در سمت راست تصویر استقبال‌کنندگان (بزرگان و قضات) دیده می‌شود و نگاه امرای سوار بر اسب و پیاده‌ها لحظهٔ ورود را آشکار می‌کند. لحظهٔ شادی مردم و ورود مهد اعلی که در نگاره تصویر شده‌اند، دارای هم‌زمانی توالی است زیرا حرکت کاروان قبل از شادی مردم شروع شده و شادی مردم را نیز در برمی‌گیرد. همراهی کاروان توسط مردم و مستقبلین دارای هم‌زمانی فراگیر است. ورود مهد اعلی و استقبال‌کنندگان، شادی مردم و فصل بهار، هم‌زمانی کامل را نشان می‌دهد. رابطهٔ نگاره با متن‌های موجود در کتیبه‌ها، گل‌ها، جوی آب و رنگ‌ها، آسمان طلایی توالی فوری و زنان بالای صخره که قرتقاخاتون و همراهان او در مراسم

فعال است، زیرا دستور استقبال را صادر می‌کند. هرچند که در نگاره نیست اما چون در روایت تأثیرگذار است، حضورش قطعی است. فرستندهٔ دوم «خواست مردم» است که جزء مفاهیم است و آگاهانه و غیرآگاهانه در مورد آن معنایی ندارد. کنشگری که فعالانه عمل می‌کند و قطعی است. گیرنده‌ها در این نگاره عبارت‌اند از: امیرزاده جهانگیر، مردم سمرقند و کاروان همراه مهد اعلی. مردم سمرقند و کاروان همراه، همگی کنشگران بشری هستند، پس آگاهانه عمل می‌کنند و حضورشان قطعی و فعال است؛ اما «امیرزاده جهانگیر» چون در دستهٔ موجودات بشری قرار دارد کنشگری است که آگاهانه عمل می‌کند و حضورش منفعل، ولی قطعی است. یاری‌رسانان در این نگاره «امرای ارسالی تیمور به خوارزم، مردم سمرقند، امرای ارسالی تیمور برای استقبال در سمرقند و قرتقا خاتون و همراهان» هستند که همگی کنشگرانی بشری بوده، آگاهانه عمل می‌کنند، همگی فعال و حضورشان قطعی است. «شادی و شور» مردم جزء مفاهیم است، پس آگاهانه یا غیرآگاهانه در موردش صدق نمی‌کند، ولی فعال و قطعی است. «شترها و اسب‌ها» جزء دستهٔ موجودات بشری و کنشگرانی هستند که غیرآگاهانه عمل می‌کنند. حضورشان قطعی و فعال است و در نگاره نیز تصویر شده‌اند. «پارچه‌های الوان، کجاوه، رنگ‌های روشن و شاد» همگی کنشگرانی فعال هستند و حضورشان قطعی است. آگاهانه و غیرآگاهانه در مورد این دسته بی‌معناست؛ زیرا که جز موجودات بشری نیستند. آسمان، گل‌ها، گیاهان و جوی آب روان غیر کنشگر، منفعل و محتمل‌اند؛ زیرا که نقشی در کنش ایفا نمی‌کنند. از عوامل بازدارنده می‌توان به سختی راه اشاره کرد که کنشگری منفعل و قطعی است. سایر عناصر تصویر از جمله «خارهای وجود و شاخه‌های خشک و همچنین بلندی کوه» غیر کنشگرند و نقشی در کنش ندارند و منفعل محتمل‌اند (جدول ۲). عناصر در زیردسته‌های کنشگری و دسته‌بندی کنشگرها از نظر هستی‌شناسی، مأخذ: همان جدول ۲.

بررسی توالی زمانی و مکانی در نگاره

در یک روایت، توالی زمانی و مکانی از عوامل بسیار مهم و از ارکان اصلی است. در نگاره توالی زمانی این قابلیت را



نمودار ۲. قواعد سه گانه نحوی و کنشگرهای شرکت کننده در قاعده، مأخذ: همان

استقبال هستند، توالی با تأخیر را نشان می دهد.

چگونگی قرارگیری کنشگرها در ساختار نحوی

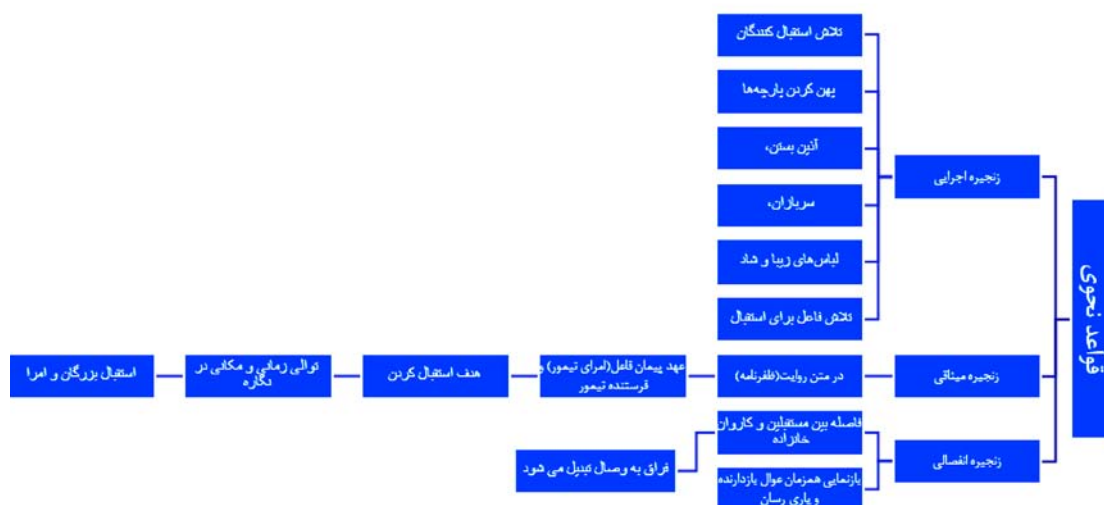
همان طور که پیش تر گفته شد کنشگرها در پیوند با هم روایت را در سه زنجیره پیش می برند که می توان از این سه پی رفت اصلی مانند سه قاعده نحوی نام برد (نمودار ۲).

در زنجیره اجرایی که طرح اصلی داستان را می سازد و ساختار روایی به آن متکی است، همه کنشگرها به جز شیء ارزشی مطرح هستند و دلالت بر انجام مأموریتی می کند. رویدادهای شکل دهنده در زنجیره اجرایی به چند دسته تقسیم می شوند، الف. اعمالی که مقدمه ای برای شکل گیری سایر کنشگرهای اصلی است. ب. رویدادهایی که پایه آن مکر و حيله است. ج. اعمالی که باعث انتقام جویی می شود. د. کنشهای فرعی که چندان در ساختار روایت تأثیر ندارد (دزفولیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۶). در این تلاش استقبال کنندگان، پهن کردن پارچه ها، آذین بستن، سربازان، لباس های زیبا و شاد و تلاشی که فاعل (امرای تیمور) برای استقبال انجام می دهند، در زنجیره اجرایی قرار می گیرند. در زنجیره تعهد به عهد و پیمان ها، شکستن و بستن

آن ها مورد توجه قرار می گیرد. زنجیره میثاقی روایت را به سوی هدف و نتیجه هدایت می کند. رابطه فاعل با فرستنده در این زنجیره مطرح است. در نگاره، فاعل (امرای تیمور در سمرقند) و فرستنده تیمور است. پیمانی بین آن ها بسته شده که امرا و بزرگان باید برای استقبال از مهد اعلی برونند و هدف استقبال کردن است. این صحنه یعنی پیمان بستن در نگاره تصویر نشده اما هم زمانی های موجود در داستان، همچنین توالی زمانی و مکانی در نگاره بر متن ظفرنامه منطبق است و استقبال از خانزاده را می توان در تصویر درک کرد (در زنجیره هدف پیمانی، وضعیت داستان به سوی هدف و نتیجه هدایت می شود).

آخرین زنجیره انفصالی است که دلالت به تغییر وضعیت یا حالتی می کند و تغییر شکل ها را شامل می شود (از مثبت به منفی یا برعکس) در اینجا کنشگران یاری دهنده و بازدارنده، این زنجیره را شکل می دهند و نقش اصلی با فاعل است. فاصله بین مستقبلین و کاروان خانزاده تصویر شده و فراق به وصال تبدیل می شود و فاعل به مفعول می رسد و عوامل بازدارنده که گفته شد همراه با یاری رسانان حضور دارند و در نهایت اتصال صورت می گیرد (نمودار ۳).

تحلیل ساختار روایت در نگاره
استقبال امرای تیمور از مهد اعلی
خانزاده بر اساس الگوی کنشی
گریماس / ۷۷-۸۹ / سپیده بیات،
بی‌تامصباح



نمودار ۳. کنشگرهای شرکت‌کننده در قواعد سه‌گانه نحوی نگاره، مأخذ: همان

نتیجه

روایت‌شناسی دانشی است که در اغلب زمینه‌ها مطرح می‌شود. روایت‌شناسی در نگارگری با استفاده از نظریات و الگوهای غربی می‌تواند جنبه‌های مختلف را در این هنر عیان سازد و به عمق نگارگری نفوذ کرده و لایه‌های متعدد آن را واکاوی کند. ساختارگرایی از روش‌هایی است که می‌توان برای تحلیل و شناخت آثار نگارگری استفاده کرد. در پژوهش حاضر نگاره‌ای از ظفرنامه تیموری بر مبنای الگوی کنشی گریماس تحلیل شد. این الگوی کنشی شامل دو سطح روبنایی و زیربنایی است. بر مبنای این تحلیل الگوی کنشی در سطح روبنایی نگاره‌ها و هم‌نشینی اجزای گوناگون نحوی (قراردادی، اجرایی، انفصالی) در پیوند با سطح زیربنایی که شامل تقابل‌های دوگانه است، روایت متن شکل گرفته و ساختار روایت در پیوند دوگانه روایت نگاره و متن تکامل یافته است. درنهایت همخوانی بصری و کنشی در نگاره با الگوی روایی متن مشاهده شد و تأثیرات ساختار روایی متن بر شکل و نوعی از آماده‌سازی دیداری به‌کاررفته در سطح زیربنایی حاصل گردید. در مطالعه ساختار حاکم بر زنجیره‌های دلالتی به شکل یک روایتگر کلی برای یافتن معنای نگاره و همچنین تبدیل توالی زمانی به مکانی در تصویر و تأثیر آن بر شکل‌گیری نظام کلی در ساختار روایت بصری ملاحظه شد و تمهیدات دیداری جایگزین مناسبی برای دلالت‌ها و کنش‌های متنی در نگاره هستند و درنهایت سازگاری کامل الگوی کنشی با نگاره حاصل گشت.

منابع و مأخذ

ابن عرب‌شاه، ۱۲۸۵، عجایب المقدور فی اخبار تیمور، قاهره.
احمدی، بابک، ۱۳۸۸، ساختار و تأویل متن، ج ۱، تهران، مرکز.
اسکولز، رابرت، ۱۳۸۳، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، آگاه.
دانشگاه کمبریج، ۱۳۷۹، تاریخ ایران دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، دیبا.
دزفولیان، کاظم، اکبری، مریم، جلالی، مریم، ۱۳۹۸، تحلیل الگوی کنشی و زنجیره‌های روایی گریماس در روایت مرگ رستم، متن پژوهی ادبی، شماره ۸۰، صص ۷-۳۱.
شعیری، حمیدرضا، ۱۳۸۸، نشانه‌شناسی ساختارگرا تا نشانه معنانشناسی گفتمانی، نقد ادبی، شماره



۸، صص ۳۳-۵۱.

فراهانی منفرد، مهدی، ۱۳۸۲، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیمور و ظهور صفویان، تهران، انجمن آثار و مفاخر اسلامی.

عباسی، علی، ۱۳۸۸، کنش‌های روایی بر اساس روش گرمس مطالعه موردی اثر، فرهنگستان هنر، شماره ۱۳، صص ۱۱۵-۱۳۵.

محمدی، محمدهادی، ۱۳۷۸، روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، تهران، سروش.

محمدی، محمدهادی، عباسی، علی، ۱۳۸۱، صمد ساختار یک اسطوره، تهران، چپستا.

موسوی لر، اشرف السادات، مصباح، گیتا، ۱۳۹۰، تحلیل ساختار روایت در نگاره مرگ ضحاک بر اساس الگوی کنشی گریماس، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، شماره ۴۵، صص ۲۳-۳۳.

میرجعفری، حسین، ۱۳۷۹، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران، سمت.

یزدی، شرف‌الدین علی، ۱۳۳۶، ظفرنامه تیموری، تاریخ عمومی ایران در دوره تیموریان، تصحیح و کوشش: محمد لوی عباسی، تهران، امیرکبیر.

Greimas, A.J, 1966, Semantique Structurale . Paris, Presses Universitaires De France.

Greimas, A.J, Proter, Catherin, 1977, Elements Of a Narrative Grammar, Diacritics, Vol 7, No. 1. Pp 23-40.

Hawkes, Terence, 2004, Structuralism And Semiotics, Routledge, London And New York, Taylor& Francis E-Library.

Hebert, Louis, 2005, Tools for Text and Image Analysis, Julif Tabler.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Analyzing the Structure of the Narrative in the Image of the Reception of the Princes of Timur from Mahd Ala Khanzadeh Based on Greimas's Action Pattern

Sepideh Bayat, MA Student in Art Research, Semnan University, Semnan, Iran.

Bitia Mesbah, Assistant Professor, Art Research Program, Semnan University, Semnan, Iran.

Received: 2022/10/18 Accepted: 2023/03/11



Narratology is a new science and deals with the understanding of the relationships, structures and grammar governing the narrative, which is rooted in structuralism. Structuralists in narratology seek to investigate the order and to discover the internal proportions in the narrative, the relationships and links existing on the elements that make up the story and explain the system that governs the narrative discourse. In this process, Propp and Greimas, relying on the method of narratology, pay attention to face analysis, and people like Genet have analyzed the tone of the narrative. Propp initiated narratology and was able to create special narrative patterns for folktales that deal with the functions in the development of characters and their relationships. He concluded that although the people and characters of these stories and their actions are diverse, their roles are limited and fixed. Following that, Greimas, who is one of the founders of structuralist semantics, by studying meaning and structures related to it, developed his action model based on how to use linguistic concepts that are used in the analysis of texts, to shift attention changed from sign to meaning. Greimas believes that it is necessary to cross the outer surface and to enter the deep layers of the text in order to find both the meaningful surface structures and the structures that are hidden in the depth of the text. In the Greimas's model, every narrative system is divided into six actors, which include sender/receiver/subject/object/restraining force and helping force. The sender sends the actor to follow the target and orders the execution of the command. The receiver is the one who benefits from the action or does not benefit from it. The object is the value object and the subject and goal of the action. The restraining force prevents the actor from reaching the goal and the assisting force helps the

*This Paper is excerpt from the first author's master's thesis entitled «Study of the narrative structure in the text and illustrations of Timurid Zafarnameh based on the Grimace action model based on the copy found in the Golestan Palace» and supervised by the second author in the field of art research.

Abstract 14/244

Autumn 2024 - NO71



Negareh

actor to reach the goal. The subject is the central element of the story. Greimas proposed three categories of dual oppositions, the six actors that are defined are divided into three categories of pairs of oppositions, each of which forms an axis of action (demand/power/sending); the axis of desire: (subject/passive), the axis of power: (helping force/inhibiting force) and the axis of sending: (sender/receiver). The subject and object pair is the most fundamental pair. Greimas's method is compatible with the method of semantics, and the narrative is made up of passages that must be understood in order to understand the text, and based on this, three syntactic rules are defined, which include executive, contractual, and disjunctive chains. In the analysis of ontology, according to the opposing pairs, three categories of human beings are defined and their role is checked whether they are active or not, and are present in the action or are likely to be present in the action. It is also determined whether they are active or not and whether they are conscious or unconscious in action. In the temporal and spatial sequence, which is one of the main elements of the narrative, how to change the temporal sequence to the spatial sequence is defined. In this research, a picture of Timurid version of Zafarnamah 935 was analyzed based on the action pattern of Greimas. This version is one of the most important books of the Timurid period and is based on a true narration and the follow-up in its details can be cited and the results of the analysis can be accurate and also the relationship between the text and the picture is clear and the content of the pictures according to the traditions that Greimas has in mind are close and the text and the picture have a deep connection. Despite the importance of this version, no complete research has been done on it based on the semantics of the pictures. The **purpose** of this research is to study how the visual and action patterns match with the Greimas's pattern. The main **questions** of the research are: 1- How is the analysis of the structure of the narrative according to the elements of the visual activist in the mentioned picture? 2- What is the conversion of time sequence to place sequence in the image according to the narrative? 3- Can the painting be examined in the same way as the text in a structuralist way and conform to the model of Greimas? The research **method** is analysis using Greimas's model and data collection based on the study of written and documentary sources. The **result** of the research shows that the pattern of Greimas can be adapted to painting and each image with superstructure and underlying structure in the structure of analysis can act as an independent text. Also, the study of the structure of denotative chains to find the meaning of the image and the transformation of the temporal sequence into the place sequence in the image and its effect on the formation of the overall system in the structure of the visual narrative was considered.

Keywords: Greimas, Action Pattern, Zafarnamah Timuri, Narrative Structure, Persian Painting

References: Abbasi, Ali, 1388, Narrative Actions based on Grames Method, Academy of Art, No. 13, Pp 115-135.

Ahmadi, Babak, 1388, Structure and Interpretation of the Text, First Edition, Tehran, Markaz.

Cambridge University, 1379, History of Iran During the Timyri Period, Translated by Yaqub Ajand, Tehran, Diba.

Dezfulyan, Kazem, Akbari, Maryam, Jalali, Maryam, 1398, Analysis of the Action pattern in the Narrative of Greimas in the Narration of Rostam's Death, Literature Study Text, No. 80, Pp 31-70.

Farahani Monfared, Mehdi, 1382, The Link Between Politics and The Rise of The Safavids, Association of Works and Islamic Pride.

Greimas, A.J, 1966, Semantique Structurale . Paris, Presses Universitaires De France.

Greimas, A.J, Proter, Catherin, 1977, Elements Of a Narrative Grammar, Diacritics, Vol 7, No. 1. Pp 23-40.

Hawkes, Terence, 2004, Structuralism And Semiotics, Routledge, London And New York, Taylor& Francis E-Library.



Negareh

- Hebert, Louis, 2005, Tools for Text and Image Analysis, Julif Tabler.
- Ibn Arabshah, 1285, The Wonders Of Al-Maqdour In The New Of Timur, Cairo.
- Mir Jafari, Hossein, 1379, The History of Iran's Political, Social, Economic And Cultural Developments In Iran During The Timuri And Turkaman Periods, Tehran, Samt.
- Mohamadi, Mohammad Hadi, 1378, Methodology of Criticism of Children's Literature, Tehran, Soroush.
- Mohamadi, Mohamad Hadi, Abbasi, Ali, 1381, Samad, The Structure of Myth, Tehran, Chista.
- Mousavi Lar, Ashraf Sadat, Gita Mesbah, 1390, Analyzing the Narrative Structure of the Peath of Zakhak A Persian Painting According to Greimas's Actantial Model, Beautiful Arts- Visual Arts , No.45, Pp 23-33.
- Scholar, Robert, 1383, An Introduction to Structuralism in Literature, Translated by Farzaneh Taheri, Tehran, Agah.
- Shairi, Hamid reza, 1388, Structuralist Semiotics to Discourse Semantics, Literary Criticism, No. 8, Pp 33-51.
- Yazdi, Sharafuddin Ali, 1336, Zafarnamih Of Timuri , Genaral History In The Timurid Period, Correction And Effort Mohamad Levi Abbasi, Tehran, Amir Kabir.

